

خاموشی یک مبارز پاکدست

امیر طبرانی

ما اسالکم علیه من اجر ان اجرى الا على رب العالمین (شعرا 26)

بگو من از شما در این باره اجرى و مزدى نمى خواهم . و چشم پاداش جز به خداى دو عالم ندارم

سابقه آشنایی و ارتباط من با مرحوم آقای دعایی به چهل سال مى رسد . قبل از آن از طریق برنامه رادیویی صدای روحانیت مبارزو ... با ایشان آشنا بودم . از سال ۱۳۶۳ که در موسسه مشغول به کار شدم و به ویژه از سال ۱۳۷۳ این آشنایی به سبب ارتباط مستمر و روزانه کارى با ایشان بیشتر شد .

در رابطه با شخصیت و خصایل خوب و نیک او در این چند روز ویا پیش از آن به مناسبت های مختلف بسیار گفته شده است . در این یادداشت من به حضورمستمر و دائمی و بدون چشمداشت وى در عرصه مبارزه سیاسى و فعالیت های اجتماعى و ملی اشاره کوتاهی خواهم کرد.

دعایی فعالیت سیاسى را از دوران جوانى در کرمان آغاز کرد بعد از رفتن به قم فعالیت سیاسى را در کنار حضور در بحث های طلبگى پی گرفت . شرکت در جلسات دادگاه سران و اعضاى نهضت آزادی ایران که از آبان ۱۳۴۲ تا اواسط بهار ۱۳۴۳ در جریان بود از جمله نخستین حضور او در این عرصه بود . دعایی در آن دوران ساکن قم بود و برای شرکت در جلسات دادگاه مجبور بود تا از قم به تهران بیاید .

علاوه بر آن توزیع اعلامیه های آیت الله خمینی ویا نشریات و اعلامیه سایر گروه های سیاسى، انتشار و توزیع نشریات بعثت و انتقام از جمله فعالیت هایی بود که دعایی در آنها مشارکت داشت . خودش مى گفت در سال های میانی دهه ۱۳۴۰ تا زمانى که در ایران بود برای دیدار با آیت الله طالقانى و مهندس بازرگان ، سحابی ها و دیگر دوستانشان مکرر به زندان قصر رفته بود.

دعایی بعد از خروج از ایران در نجف در زمره نزدیکان آیت الله خمینی قرار گرفت . علاوه بر ارتباط مراد و مریدی ، او نیرویى تمام وقت در خدمت ایشان بود و دوستى نزدیک و صمیمى با حاج مصطفی خمینی داشت .

در نجف برنامه رادیویی علیه رژیم شاه یکى از مشغولیت اى دعایی بود که به مدت هفت سال تحت عنوان : نهضت روحانیت و سپس صدای روحانیت مبارز ایران از بغداد پخش مى شد .

او در آن ایام علاوه بر دل مشغولی های پیشین به عضویت سازمان مجاهدین نیز درآمد و عملاً رابط سازمان با آیت الله خمینی شد و از طریق او بود که دو نماینده سازمان با آیت الله خمینی دیدار و گفت و گو کردند .

بعد از پیروزی انقلاب نیز دعایی در سمت سفیر ایران در عراق ، سرپرست موسسه اطلاعات ، نماینده مجلس شورای اسلامى و ... فعالیت کرد . ولى علاوه بر این سمت های رسمى ، او از جمله کسانی بود که همواره در بسیاری از عرصه ها بدون آن که نامى از او در میان باشد حضور داشت . به عنوان نمونه

معروف است که رهبر انقلاب به مقامات بلندپایه کشور توصیه کرده بودند که دعایی باید همواره از جمله اعضای هیات های رسمی بلندپایه جمهوری اسلامی که به سفرهای خارجی می روند باشد.

دعایی از حافظه ای بس قوی برخوردار بود و به دلیل ارتباطات گسترده خود ،از بسیاری روابط میان روحانیت،نیروهای سیاسی و اتفاقات مطلع بود ولی به ندرت درباره آنها حرف می زد .

در طول این سال ها به جز ارتباط کاری میان رییس موسسه و کارمند وی، به دلیل علاقه من به تاریخ معاصر ایران و حضور سید محمود دعایی در بطن حوادث و تحولات شصت سال اخیر ایران من بارها پای صحبت ها و خاطرات ایشان نشستم . البته این اتفاق در صورتی رخ می داد که از ضبط صدا خبری نبود . هر بار به بهانه و پیش آمدی زمینه ای فراهم می شد تا من سوالی بپرسم و یا دربرخی موارد هم خود ایشان ابتدا به ساکن ذکری از گذشته می کرد و هر بار بیش از گذشته تاسف می خوردم که چرا به درخواست های مکرر من درباره بیان خاطرات خود پاسخ منفی می دهد . البته این تنها من نبودم که این درخواست را با ایشان مطرح می کردم همه کسانی که با سابقه مبارزاتی و تلاش های وی در دوران بعد از انقلاب آشنا بودند این درخواست را از ایشان داشتند و افسوس که به جز بخش کوتاهی که در کتابی کم حجم منتشر شد ویا مصاحبه ای معدودی که گاه و بیگاه با روزنامه ها می کرد وقتی که چشم بر دنیا بست بخش اعظم خاطراتی که برخی از آنها منحصر به فرد بود را با خود برد و تاریخ معاصر ایران را از آنها محروم ساخت.

برای او آن تلاش ها در راه مبارزه با ستم رژیم شاه ویا کوشش هایش در راه احقاق حقوق کسانی که به هر صورت در باره آنها ناروایی رخ داده بود نه از برای کسب مقام و وبرخورداری از تنعمات دنیایی و...بود . به همین دلیل هم هرگاه از او خواسته می شد که درباره این مسائل حرف بزند و پرهیز می کرد و همواره با فروتنی نقش خود را به حداقل تقلیل می داد . زندگی و نحوه زیست او نشان از آن دارد که فروتنی و تواضع که او در برخورد با دیگران نشان می داد از عمق باورهای دینی و انسانی او برمیخواست نه وسیله ای برای تقرب به دنیا و...